

شیخ بهایی؛ فقیه عارف و دانشمند شاعر

عبدالحسین توکلی طرقي

گفتیم مگر که اولیاییم، نه ایم
یا صوفی صفة صفاییم، نه ایم
آراسته ظاهریم و باطن نه چنان
القصة چنان که می نماییم، نه ایم

بهاءالدین محمدبن عزالدین بن حسین بن عبدالصمد حارثی همدانی جبعی ملقب به شیخ بهایی در غروب روز چهارشنبه ۱۷ ذیحجه به سال ۹۵۳ در شهر بعلبک گام به دنیا نهاد. وی در خردسالی همراه پدرش شیخ عزالدین از جبل عامل به ایران آمد. سه سال در اصفهان بودند و سپس به دعوت طهماسب اول صفوی به قزوین رفتند و شیخ عزالدین، شیخ الاسلام پایتخت شد. سالها بعد با حفظ سمت پدر به مشهد و هرات رفتند و عاقبت به قزوین بازآمدند. عربی و تفسیر و حدیث را از پدر، و حکمت و کلام و قسمتی از علوم منقول را از ملاعبدالله یزدی فرا گرفت. وی ریاضیات را نزد ریاضیدان عصر خود، ملامحمد باقر بن زین العابدین یزدی، ملاعلی مذهب و مولانا افضل قایینی و طب را در مجلس درس حکیم عمادالدین آموخت. دیگر استادان او که شیخ از آنان بهره کامل برد، یکی شیخ احمد گجایی کههدمی است که به پیر احمد قزوینی شهرت داشته و دیگر محمدبن ابی اللطیف مقدسی شافعی است که صحیح بخاری را از دست نامبرده خواند و اذان روایت از او گرفت. در اجازات بحار از شیخ تحت عنوان ابوالفضائل یاد می کنند. در ۹۸۴ همراه پدرش به حج رفت. گویا از آن پس، سالهای متمادی را به سیاحت گذراند و از جمله به هرات، آذربایجان، عراق، دمشق، فلسطین و مصر مسافرت کرد. بعد از فوت پدرنش شیخ علی منشار، شاهعباس بزرگ منصب شیخ الاسلامی و تصدی امور شرعی را به او واگذار کرد. در ۱۰۰۸ همراه شاه عباس پیاده به مشهد رفت و تا پایان عمر از مقربان وی بود. اقوال فراوانی در تعیین تاریخ وفات شیخ بهایی موجود است. لیکن جمهور تذکره نویسان، قول نظامالدین ساوجی را که سال وفات وی را روز سه شنبه ۱۲ شوال ۱۰۳۱ ق در اصفهان ثبت کرده است می پذیرند. قبر وی اکنون در سمت پایین ضریح امام رضا (ع) در جوار حرم رضوی است.

دیدگاهها

اسکندریبگ در «عالم آرای عباسی» می‌گوید: شیخ بهایی در علم ظاهر و باطن سرآمد روزگار به اعتقاد جمهور علما و فضلا رتبه عالی دارد. و «تنویر باطن با انوار جلی» تعبیری است که وی برای نشان دادن طریق دستیابی به حقیقت به کار می‌برد. وی همواره علوم ظاهری را به چشم قیل مقال می‌نگریسته و آنها را برای نیل به کمال ناقص می‌شمرده است. با این حال در کنار تمایل شدیدی که به عرفان داشت و وظیفه شرعی خود را به عنوان یک مجتهد و شیخ الاسلام به نیکی ایفا می‌نمود و حوایج دینی مردم را به بهترین وجه سامان می‌بخشید. با این که از یکی از بالاترین مناصب دیوانی برخوردار بود لیکن ساده‌زیستی وی زبانزد بود و بیمی از انتقاد و توبیخ درباریان منجمله شاه به خود راه نمی‌داد. از این که عده‌ای ریاکار و دغل‌باز را که به نام صوفیه مردم را فریب می‌دادند، سرزنش کند، وحشتی نداشت.

شیخ بهایی یک شیعی متعادل و میانه‌رو بود. ویژگی تسامح دینی تنها مختص به وی نبود و حکومت صفویه نیز در دوره او، مشی مداراجویانه‌ای با فرق و مکاتب مختلف داشت. از این رو، وی نیز از نشست با پیروان مذاهب ابایی نداشت، تا جای که عده‌ای او را سنی مذهب خواندند و در جایی دیگر او را زردشتی معرفی کردند.

در دوره‌ای که متکلمان، فقها، حکما، مورخان طبیعی، دانشمندان، منطقیین و صوفیان، هر یک فرقه مختص به خود را داشتند و گاه به معارضه با یکدیگر برمی‌خاستند، شیخ بهایی از احترام همه فرق، از درویشان خانه به دوش و قلندران گرفته تا علمای درباری، برخوردار بود. کار سترگ شیخ قطعا در این نکته نهفته است که بی‌اعتباری همه علوم را در برابر معارف حقیقی نشان داده است، آن هم در حالی که خود در همه علوم مرتبه استادی داشته و هر یک از آثارش مرجع رسمی مربوط به موضوع خود بوده است. بخصوص در اشعار ادبی و مثنوی‌هاست که قریحه مخصوص شیخ بهایی در بیان والاترین حقایق به زبانی ساده و با لطایف ظریف خودنمایی می‌کند. شباهت اشعار شیخ به مثنوی جلال‌الدین بلخی زیاد است. در شعر بلندی به نام گربه و موش، گربه تمثیلی ایز علوم صوری و ظاهری و موش مظه‌ری از علوم باطنی است. موضوع شعر، خطر غفلت و جهالت است که همواره در کمین بینش‌های ظاهربین نشست است و نیز حاجت بنیان‌های مذهبی و اجتماعی به معرفت باطنی. شیخ بهایی همچنین در سراسر آثارش بر رجحان شهود عقلانی بر معرفت استدلالی تاکید ورزیده است. شیخ بهایی خود یکی از آن شاهین‌های کمبایی است که به هنگام پرواز بر فراز این جهان، به سرزمین «ناکجاآباد» گریخته‌اند. او چون میرداماد یا محسن فیض به معنای فنی کلمه آثار زیادی در باب حکمت تألیف نکرده است، اما به چنان درجه‌ای از کمال روحی و رای اصول و قواعد نظری واصل گشته که همه آثار او سرشار از ارزش‌های معنوی است. حتی از آثاری که درباره علوم مختلف دینی و طبیعی نگاشته، رایحه معنوی به مشام می‌رسد آثار او گواه توازنی است که میان علوم ظاهری و باطنی و مباحث مابعدالطبیعی و جهان‌شناسی برقرار شده است. عمده آثار مهم او بدین شرح است:

آثار



از شعرهای فارسی شیخ بهایی، گذشته از چند غزل، قطعه، رباعی و ابیاتی پراکنده، سه مثنوی نیز بر جای مانده است. یکی مثنوی «طوطی‌نامه» به شیوه مثنوی معنوی مولوی در یک‌هزار و ۴۳۲ بیت است. دیگری مثنوی «سوانح السفر الحجاز/ نان و حلوا» به فارسی و عربی در وزن و سیاق مصنوعی معنوی است که در آن شرح سفر حج شیخ آمده و به مضامینی چون مادیات دنیوی و تعلقات آن پرداخته شده است. نسخه کامل این مثنوی ۴۰۸ بیت دارد و در «کلیات اشعار شیخ بهایی» به چاپ رسیده است (تهران، ۱۳۷۲ ش). مثنوی سوم، «شیر و شکر» نام دارد که در «کشکول» آن را آورده و در بحر جنب، از بحور متداول در میان شاعران عرب است و پیش از شیخ بهایی کسی در زبان فارسی به این وزن مثنوی نسروده است. ذوق شعری شیخ، وی را در عربی نیز رها نکرد و قصاید و مثنویاتی بدین زبان سرود که مهمترین‌هایش قصیده «الفوز الامان فی مدح صاحب‌الزمان» و قصیده «غدیری» است. همچنین اشعار عربی وی نیز، جمع‌آوری و جداگانه به چاپ رسیده

چیره‌دستی شیخ بهایی
در استفاده از احادیث
و اخبار جهت اثبات
احکام دینی در حقیقت
بر آیند اصلی رویکرد
عقل‌گرایانه عصر
صفویان است

ظلی در مغرب مسجد امام (مسجد شاه سابق) در اصفهان هست که می‌گویند وی ساخته است. در احاطه وی در مهندسی مساحی تردید نیست و بهترین نمونه که هنوز در میان است، نخست تقسیم آب زاینده‌رود به محلات اصفهان و قرای مجاور و رودخانه است. طرح‌ریزی کاریز نجف‌آباد اصفهان را نیز از مرحوم بهایی می‌دانند که به نام قنات زرین کمر، یکی از بزرگترین کاریزهای ایران است و از مظهر قنات تا انتهای آبخور آن ۹ فرسنگ است و به ۱۱ جوی بسیار بزرگ تقسیم می‌شود. دیگر از کارهای وی، تعیین سمت قبله مسجد امام به مقیاس ۴۰ درجه انحراف غربی از نقطه جنوب و خاتمه دادن به یک سلسله اختلاف نظر بود که مقتیان ابتدای عهد صفوی راجع به تشخیص قبله عراقین در مدت یک قرن و نیم اختلاف داشته‌اند. شیخ بهایی را باید فقهی زمانه‌شناس، سیاستمداری مردمی و دانشمندی رفیع‌المنزله در قلوب مردمان و نزد فحول زمامداران دانست که مؤمنانه کیاست ورزید و بری برای شیعه براندوزاند. حشرش با شهید مشهد!

این مقال موجز را با سروده‌ای از شیخ بهایی به پایان می‌بریم:

تا کی به تمنای وصال تو یگانه

اشکم شود از هر مژه چون سیل روانه

خواهد به سراپد شب هجران تو یا نه؟

ای تبر غمت را دل عشاق نشانه

جمعی به تو مشغول و تو غایب ز میانه

منابع:

- تاریخ حکما و عرفا متأخرین صدرالمتألهین، تألیف: منوچهر صدوقی
سها، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۵۹.

- تاریخ عالم‌آرای عباسی، اسکندربیک منشی، تهران، ۱۳۱۴.

- تذکره نصرآبادی، نوشته: محمدطاهر نصرآبادی، به تصحیح: احمد مدقق یزدی، ۱۳۷۸.

- دنباله جستجو در تصوف ایران، عبدالحسین زرین کوب، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.

- رجال اصفهان، تألیف: سیدمحمدباقر کتابی، اصفهان، انتشارات گلها، ۱۳۷۵.

- ریاض‌العلماء و حیاض‌الغضال، تألیف: عبدالله افندی اصفهانی، ترجمه: محمدباقر ساعدی، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۶۶.

- ریحانه الادب، تألیف: استاد علامه میرزا محمدعلی مدرس، جلد سوم، چاپ دوم، تبریز، ۱۳۴۵.

- مفاخر اسلام، علی دوانی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.

- نقدالرجال، مصطفی بن حسین حسینی تفرشی، تهران، ۱۳۱۸.

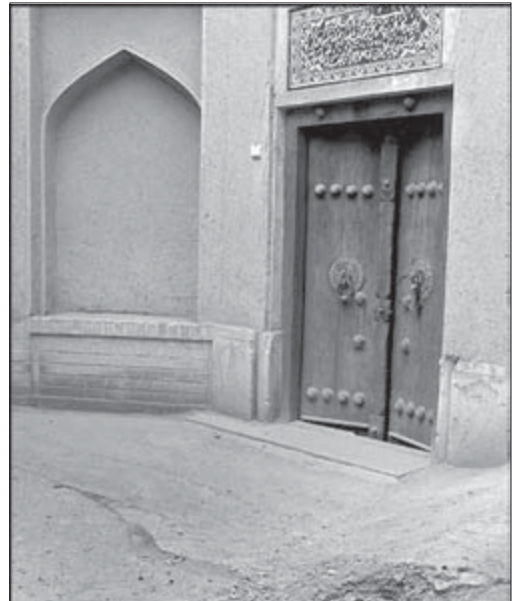
- وفیات العلماء، یا دانشمندان اسلامی، حسین جلالی شاهرودی، تهران.

- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱/۴۹، ۵۴، ۹۸؛ ۲/۲۸۴، ۳۵۲؛ ۱۳/۲۵۶، ۲۷۰.

- دون جی استوارت، «نکاتی درباره شرح حال شیخ بهاء‌الدین عاملی»، ترجمه: محمدکاظم رحمتی، آینه پژوهش، سال هفتم، شماره یکم (شماره پیاپی ۹۷)، فروردین - اردیبهشت ۱۳۸۵.

- کیوان سمیعی، «سبک‌شناسی شیخ بهایی»، یادگار، سال دوم، شماره ۲، ۱۳۲۴.

- ابراهیم همدانی، «شیخ بهاء‌الدین محمد»، ارمان، سال هفتم، شماره یکم، فروردین ۱۳۰۵.



و کلیات شیخ بهاء‌الدین محمد‌العالمی مشهور به شیخ بهایی به همت غلامحسین جوهری از آن شمارند.

از آثار و زندگی شیخ بهایی چنین برمی‌آید که وی مأمور پیاده کردن اصول عملی مذهب در نهاد حکومت و سیاست بوده است. متعاقب روند شاه طهماسب اول مبنی بر تلفیق دین و سیاست در زمان شاه عباس اول نیز این جریان دنبال شد و نقش و عملکرد چشمگیر شیخ بهایی در پیشبرد این مقصد وی را تبدیل به حامل عالی‌ترین مقام دیوانی دینی در صفویان آن عصر ساخت. اسکندر بیک وی را «دارالسلطنه اصفهان» می‌خواند.

از سوی دیگر، مهارت و چیره‌دستی شیخ بهایی در استفاده از احادیث و اخبار جهت اثبات احکام دینی در حقیقت برآیند اصلی رویکرد عقل‌گرایانه عصر صفویان است.

معمار اصفهان

او در معماری نیز مهارت داشت و بناهایی که با طرح وی ساخته شده‌اند، نظم موسیقایی محسوسی را در خود جلوه‌گر ساخته‌اند. از آن شمار بنای، حمامی در اصفهان که تنها با یک شمع گرم می‌شد. معماری مسجد امام اصفهان و مهندسی حصار نجف را به او نسبت می‌دهند. و نیز شاخصی برای تعیین اوقات شبانه‌روز از روی سایه آفتاب یا به اصطلاح فنی، ساعت آفتاب یا صفحه آفتابی و یا ساعت



شیخ بهایی را باید

فقهی زمانه‌شناس،

سیاستمداری مردمی و

دانشمندی رفیع‌المنزله

در قلوب مردمان و

نزد فحول زمامداران

دانست که مؤمنانه

کیاست ورزید و بری

برای شیعه براندوزاند.